

Investigating the love of Eros, the beauty factor of the story in "Wis and Ramin" and "Khosrow and Shirin" (based on John Lee's theory)

Tayebeh abdollahzade^۱, vajihe torkamani barandoози^۲

Abstract

The love poems of "Wis and Ramin" by Fakhreddin Asad Gorgani and "Khosrow and Shirin" Nezami are Undoubtedly the most prominent works of lyrical poetry. The dimensions of romantic relationships between the characters of the story also provide a good basis for studying the subject of love and its types with psychological theories. One of these topics is John Lee's love theory. He has studied the three main styles of love of Eros, Ludos, Storg, secondary styles of mania, agape, pragma and also compared it with the main colors. The purpose of this study is to study the love of Eros in these two love poems using John Lee's love theory. So the main question is to answer the question of what color of love in these stories corresponds to which color of love in John Lee's theory and what are the most important components of Eros love that is the main factor of beauty and charm in these stories? The result of this research shows that by examining this issue descriptively-analytically in both stories, an important love component (Eros) related to the behavior of the characters in the story has been identified. This component includes a number of actions and motives that are consistent with John Lee's view in red.

Keywords: Wis and Ramin, Khosrow and Shirin, Eros Love, John Lee

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

^۱ -PhD student in Persian language and literature, Islamic Azad University, chalus Branch, chalus, Iran. t.ab^۱@yahoo.com

^۲ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, chalus Branch, Islamic Azad University, chalus, Iran. torkamani.vajihe@gmail.com

Sources and references

Book

- ۱- Armstrong, John (۲۰۱۴), *The Conditions of Love (Philosophy of Intimacy)*, translated by Massoud Olya. Second Edition, Tehran: qoqnoos Publishing.
- ۲- Islami Nodooshan, Mohammad Ali (۱۹۹۱), Jame Jahanbin, Tehran: Jami Publishing.
- ۳- Ahmadi, Mohammad Ali (۲۰۰۵), *Love, Scientific and Social Concepts*, Second Edition, Tehran: Astan.
- ۴- Bauman, Sigmont (۲۰۰۸), *Fluid love, about the instability of human ties*, translated by Erfan Sabeti, Tehran: qoqnoos Publishing .
- ۵- Hamidian, Saeed (۱۹۹۴), *Armanshahr Zibaei*, Tehran: Qatreh Publishing.
- ۶- Khodaei, Gholam Hossein and others (۲۰۰۶), *Yesterday-I-Today-We*, useful knowledge for a healthy and sustainable life, Mashhad, Sokhan Gostar.
- ۷- Zarrinkoob, Abdolhossein (۱۹۹۱), with Holle caravan, Tehran: Elmi.
- ۸- Sattari, Jalal (۱۹۷۵). *Link between West and East*. Tehran: Ministry of Culture and Arts.
- ۹- Saeedi Sirjani, Ali Akbar (۲۰۱۲), *The image of two women*, Tehran: Peykan.
- ۱۰- Sharifi, Mohammad (۲۰۰۸), Mohammad Reza Jafari, Editor, *Dictionary of Persian Literature*, Tehran: New and Definite Publishing Culture.
- ۱۱- Sadeghi, Akram (۲۰۱۱), *Comparison of attachment styles of love dimensions in adolescents and non-opposite sex in high school students in Shahrekord*, Merv Dasht Azad University, Faculty of Educational Sciences, Counseling Psychology.
- ۱۲- Safa, Zabihollah (۲۰۰۲), *History of Iranian Literature Vol. ۱*, Tehran: Phoenix, second edition.
- ۱۳- Kamkari, Kambiz (۲۰۰۹), *Psychology of Love*, Tehran: Bal, first edition.
- ۱۴- Gorgani, Fakhreddin Asad (۱۹۹۸), edited by Mohammad Roshan Tehran: Contemporary Voice.
- ۱۵- Giddens, Anthony (۱۹۹۷), *Sociology*, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney.
- ۱۶- Mokhtari, Mohammad (۱۹۹۳), *Man in Contemporary Poetry*, Tehran: Toos.
- ۱۷- Madi, Arjang (۱۹۹۲), *Love in Persian Literature*, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research, First Edition.
- ۱۸- Nezami, Elias Ibn Yousef (۲۰۰۷), *Xhosrow and Shirin*, edited by Behrouz Thorotian, Tehran, Amirkabir.
- ۱۹- Aron, A. & Aron, E. N. (۱۹۸۶). *Love and the expansion of self: Understanding attraction and satisfaction*. New York: Hemisphere Publish Corporation.

- ۲۰- Blass, Jm, & Hahn, T (۱۹۹۷). Dating partner preference a function similarity of love styles. *Journal of Social Behavior and Personality*, ۱۲, ۵۹۵-۶۱۰.
- ۲۱- Fricker, Julie. Hons, B. A.(۲۰۰۶). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model.
- ۲۲- Hatfield, E., & Walster, G. W. (۱۹۷۸). *A new look at love*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- ۲۳ -Hendrick, S. S., & Hendrick, C.(۱۹۸۷). Love and sexual attitudes, self-disclosure and sensation seeking. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۴, ۲۸۱-۲۹۷.
- ۲۴ - Lee, J. A. (۱۹۷۳). *The color of love: And exploration of the ways of loving*. Don Mills, Ontario: New Press.
- ۲۵- Lee, J. A.(۱۹۹۸). Ideologies of lovestyle and sexstyle. In V. C. deMunck (Ed.), *Romantic love and sexual behaviour: Perspectives from the social sciences* (pp. ۳۳-۷۶).
- ۲۶ -Lee, J. A.(۱۹۷۳). *The colours of love: An exploration of the ways of loving*. Ontario, Canada: New Press.
- ۲۷- Rubin, Z. (۱۹۷۳). *Liking and loving: An invitation to social psychology*. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- ۲۸- Sternberg, R. J. (۱۹۸۶). A triangular theory of love. *Psychological Review*. ۹۳: ۱۱۹-۱۳۵
- ۲۹ -Stephanie, A. Griffin, M. S.(۲۷۷۶). *A Qualitative Inquiry into How Romantic Love Has Been Portrayed by Contemporary Media and Researchers*. Ohio state University, ۲۰۰۶.

articles

- ۱- Abdi, Hamza; Golzari, Mahmoud (۲۰۱۰), The relationship between love styles and personality traits, *psychology and religion*, third year, third issue, pp. ۵۳-۷۴.
- ۲- Farahbakhsh, Kiomars and Abdullah Shafiabadi (۲۰۱۶), Dimensions of lovmaking based on the three-dimensional theory of love in four groups of couples in the stage of engagement, marriage, marriage and children. *Journal of Knowledge and Research in Psychology*, ۲۰-۱.

فصل نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

سال ششم، شماره نوزدهم، بهار ۱۴۰۱

بررسی عشق اروس، عامل زیبایی داستان در «ویس و رامین» و «خسرو و

شیرین» (با تکیه بر نظریه جان لی)

طیبه عبدالله زاده^۱، وجیهه ترکمانی باراندوزی^۲

صص (۱۷۹-۱۵۵)

چکیده

منظومه‌های عاشقانه «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و «خسرو و شیرین» نظامی بی‌شک از برجسته‌ترین آثار منظوم غنایی به شمار می‌روند. ابعاد روابط عاشقانه میان شخصیت‌های داستان نیز، زمینه مناسبی را برای بررسی موضوع عشق و انواع آن با نظریه‌های روان‌شناسی فراهم می‌نماید. یکی از این مباحث، نظریه عشق «جان لی» است. وی به بررسی سه سبک اصلی عشق اروس، لودوس، استورگ، سبک‌های ثانویه مانیا، آگاپه، پراگما و نیز مقایسه آن با رنگ‌های اصلی پرداخته است. هدف این پژوهش نیز با استفاده از نظریه عشق جان لی، بررسی عشق اروس در این دو منظومه عاشقانه می‌باشد. بنابراین مسأله اصلی پاسخ به این پرسش است که عشق در این داستان‌ها با کدام رنگ عشق در نظریه جان لی مطابقت دارد و مهم‌ترین مؤلفه‌های عشق اروس که عامل اصلی زیبایی و جذابیت در این داستان‌ها است، کدام است؟ نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که با بررسی این موضوع به روش توصیفی - تحلیلی در هر دو داستان یک مؤلفه عشقی مهم (اروس) مربوط به رفتار شخصیت‌های داستان شناسایی شده است. این مؤلفه کنش‌ها و انگیزه‌های متعددی را شامل می‌شود که مطابق با نظریه جان لی به رنگ قرمز است.

کلیدواژگان : ویس و رامین ، خسرو و شیرین ، عشق اروس ، جان لی.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران.

t.ab77@yahoo.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد چالوس ، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران. (نویسنده

مسئول) torkamani.vajihe@gmail.com

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

منظومه‌های عاشقانه غنایی به دنیای عشق و گروه بزرگی از شخصیت‌هایی که در آن نقش آفرینی می‌کنند تعلق دارد. در دو داستان «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» نیز عشق موضوعی است که محور اصلی و عامل جذابیت داستان بوده و انگیزه خلق آثار ادبی بسیاری قرار گرفته است. همچنین باید گفت: در روانشناسی نیز دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی درباره عشق ارائه شده است که می‌توان در داستان‌های عاشقانه مورد بررسی قرار داد. جان لی (۱۹۷۳) در نظریه خود، مدل چرخه‌ای عشق را معرفی می‌کند که در آن فقط سه رنگ زرد، قرمز، آبی و در واقع سه سبک نخستین عشق وجود دارد: اروس (Eros)، لودوس (Ludus)، استورگ (Storg). ترکیب این سه سبک نخستین، سبک‌های متعدد عشق را به وجود می‌آورند که عبارتند از عشق عملگرایانه (Pragma)، عشق شیدایی (Mania)، عشق وظیفه‌شناختی (Agape). به طور کلی می‌توان گفت: اروس (عشق شهوانی) از راه جاذبه جسمانی آنی مشخص می‌شود. افراد با این نوع عشق، به عشق در اولین نگاه معتقدند و خواهان صمیمیت از جمله صمیمیت جنسی بلافاصله پس از شروع رابطه هستند. مانیا (عشق افراطی) عشق وسواس گونه همراه با حسادت و شدت هیجانی زیاد می‌باشد.

استورگ (عشق دوستانه) مبتنی بر هم‌نشینی و دوستی پایدار می‌باشد (فرح‌بخش، شفیع آبادی، ۱۳۸۵). آگاه به (عشق الهی یا عشق فارغ از خود) مبتنی بر نوع دوستی و بدون چشم‌داشت بوده و ایده‌آل‌تر از سایر سبک‌های عشق است. لودوس (عشق بازیگرانه) افراد کثرت‌گرا نسبت به شریک عاشقانه بوده و مشکلی در آشنایی با چند شریک در یک زمان ندارند. پراگما (عشق منطقی) افراد دارای این نوع سبک عشق واقع بین و عملگرا بوده و در پی دسترسی به سازگاری در زمینه کیفیت‌های شخصی و اجتماعی می‌باشند (بلاس و هاهن، ۱۹۹۷). با توجه به نظریه جان لی؛ در دو منظومه عاشقانه فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی می‌توان با نوع عشق اروس که با عواطف و احساسات فردی و درون اشخاص ارتباط دارد آشنا شد و به تأثیر این عشق به عنوان عامل اصلی زیبایی این داستان‌ها پی برد.

این مقاله با مقایسه توصیفی- تحلیلی عشق اروس در دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین بادیدگاه جان لی به شناخت بیشتر و دیدگاهی جدید درباره این آثار درمورد عشق و انطباق آن با این نظریه پرداخته است و به این پرسش اصلی پاسخ داده

است که: عشق در این داستان‌ها با کدام رنگ عشق در نظریه جان لی مطابقت دارد و مهم‌ترین مؤلفه‌های عشق اروس که عامل اصلی زیبایی و جذابیت در این داستان‌هاست، کدام است؟

فرضیه مقاله این است که در هر دو داستان عشق اروس عامل اصلی زیبایی داستان است و جنبه غالب را دارد که با رنگ قرمز شناخته می‌شود. همچنین در داستان ویس و رامین عشق اروس آزادانه‌تر، بی پروا تر و از اهمیت بیشتری برخوردار است. بین نوع عشق و ویژگی‌های شخصی نیز رابطه وجود دارد. نوع عشق و تفاوت‌های فردی در نوع دلبستگی، در ایجاد تنوع و تفاوت قصه‌های عشق یا به عبارت دیگر روایت‌های عاشقی مؤثر هستند.

۱-۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

تحلیل روایت عاشقانه براساس نظریه روان‌شناسی به کشف نوع ارتباط میان شخصیت‌ها و معنای قصه یاری می‌رساند. به عبارت دیگر، ویژگی‌های اصلی و نوع عشق با توجه به تحلیل روانشناسانه آن ثابت می‌شود. آنچه در این جستار اهمیت دارد عبارت است از: شناخت عشق اروس، عامل زیبایی داستان ویس و رامین و خسرو و شیرین براساس نظریه جان لی، شناخت و درک بهتر میزان انطباق‌پذیری داستان با این نظریه و همچنین اهمیت کنش هر یک از شخصیت‌های اصلی در پیشبرد روند داستان.

۱-۳. پیشینه تحقیق:

عشق در ادبیات فارسی و منظومه‌های غنایی جایگاهی ویژه داشته و همواره به آن پرداخته شده است. در منظومه‌های ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی نیز عشق بنمایه اصلی این داستان‌هاست. از این رو پژوهش‌هایی که پیرامون عشق در این دو اثر صورت گرفته است را نیز می‌توان این‌گونه نام برد:

پوران یوسفی پور کرمانی و شهاب سالاری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم عشق در ویس و رامین بر مبنای نظریه نورمن فرکلاف» در پژوهش‌نامه اورمزد، دوره ۲، شماره ۴۶، صص ۱۷۹-۲۰۰، نشان می‌دهد که واژه عشق در ویس و رامین تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، سیاسی، طبقاتی و فرهنگی؛ گستره‌ای از معانی دوست داشتن، خیانت و قربانی کردن را در رابطه با سیاست و اجتماع ایران قرن پنجم به نمایش گذاشته شده است.

اسماعیل حاکمی و راضیه زواریان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه زن و عشق در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی» در فصل‌نامه دهخدا، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۹۱-۱۰۷، داستان را بر اساس جایگاه زن در ویس و رامین و سپس نقش و نوع و جایگاه عشق در این منظومه عاشقانه بررسی کرده‌اند.

افسانه خاتون آبادی (۱۳۷۷) در مقاله‌ای با عنوان «مضمون عشق و منش قهرمانان در ویس و رامین» در فصل‌نامه نامه پارسی، دوره ۳، شماره ۱۰، صص ۱۵-۳۸، به مضمون و حال و هوای متفاوت عشق و عاشقی در ویس و رامین پرداخته است.

امید ذاکری کیش (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل وجه‌های غنایی در داستان‌های عاشقانه» (با تکیه بر خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی)، دوره ۲۲، شماره ۷۸، صص ۲۴۷-۲۷۲، در این مقاله، با تحلیل ساختاری این وجه‌های گوناگون غنایی در داستان خسرو و شیرین و لیلی و مجنون نظامی، نشان داده می‌شود که چگونه وجه‌های مختلف احساس شاعر و شخصیت‌های داستانی در متن مورد توجه قرار گرفته است.

شهلا خلیل‌اللهی و غفار برج‌ساز (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عشق در خسرو و شیرین نظامی براساس دیدگاه‌های گیدنز، دانیو و ایوانز»، دوره ۱۵، شماره ۲۸، صص ۱۰۱-۱۱۴، به ویژگی‌های عشق در نظریه‌های غربی، و مطابقت آن با انواع عشق در این داستان خسرو و شیرین می‌پردازد.

طیبه مهدی‌نژاد (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ویژگی‌های معنوی عاشقانه زال و خسرو در منظومه حماسی - غنایی زال و رودابه و خسرو و شیرین»، دوره - ، شماره ۱ (پیاپی ۴۲)، صص ۱۱۵-۱۳۷، برآن است تا ویژگی‌های معنوی عشاق را بررسی نماید.

۴-۱. روش کار

تئوری شش بعدی عشق جان لی، شیوه مناسبی است برای اینکه نشان دهیم که چه مؤلفه‌هایی از عشق اروس در این منظومه‌های عاشقانه قابل بررسی است که این نوع عشق را اصلی‌ترین عامل زیبایی داستان ساخته است. از این روی این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با به کارگیری دیدگاه جان لی به بررسی عشق اروس در دو منظومه عاشقانه می‌پردازد و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های صمیمیت و عاطفه، شور و هیجان، عشق در یک نگاه و عشق به زیبایی، نشان می‌دهد که این عشق چگونه در زیبایی داستان تاثیر

داشته است. این مقاله همچنین نشان می‌دهد که عشق موجود در این داستان‌ها طبق نظریهٔ جان لی به رنگ قرمز می‌باشد.

۱-۵. مبانی نظری:

با توجه به اهمیت مفهوم عشق و عشق‌ورزی، نظریه‌های بسیاری در این زمینه مطرح شده است. اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها که به تبیین عشق و انواع می‌پردازد نظریهٔ عشق جان لی است. در این نظریه هر نوع از عشق به یک سبک اولیه و ثانویه مربوط می‌شود. لی می‌گوید که نگرش‌های مختلف نسبت به عشق وجود دارد که ریشه در تجارب خانوادگی، عواطف مؤثر و رفتارها دارد که می‌توان آن‌ها را در شش سبک اصلی طبقه بندی کرد. این شیوه‌های عشق ورزیدن همانند ظاهر رنگی یک چرخ هستند که هم شامل رنگ‌های اولیه و هم ثانویه می‌شوند. رنگ‌های اولیه انواع متداول‌تری هستند و شیوه‌های عشقی ثانویه از ترکیب شیوه‌های اولیه ساخته می‌شوند. لی برچسب‌هایی از زبان باستانی برای نامیدن آن‌ها به کار می‌برد و استدلال می‌کند که زبان امروزی برچسب‌های کافی برای انواع مختلف عشق را ندارد. مهم‌ترین سبک‌های عشق‌ورزی شامل شیوه‌های اولیه، اروس، لودوس و استورگ، و شیوه‌های ثانویه، مانیا، پراگما و آگاپه، می‌باشد (فریگر و هانس، ۲۰۰۶: ۹۱-۹۸).

۱-۱-۵- سبک‌های عشق ورزی اولیه

۱- اروس: اروس یک تجربه عاطفی شدید است که مشابه به عشقی پر از هوس می‌باشد (لی، ۱۹۹۸: ۳۳-۷۶). این تمایل شدید به فرد دیگر با معیارهای جذابیت فیزیکی مطابقت دارد و عشق زودگذری است که از طریق روابط جنسی مکرر متمایز می‌شود (استفانی و گریفین، ۲۰۰۶).

۲- لودوس: یک نوع بازی از شیوه‌های عشق ورزیدن است و به وسیلهٔ آن قوانین به بازی گرفته می‌شود. عاشق لودوسی، عشق را به عنوان یک بازی می‌بیند که با مهارت انجام می‌دهد و اغلب چندین شریک به طور همزمان دارد (لی، ۱۹۹۸: ۳۳-۷۶).

۳- استورگ: یک شیوهٔ عشقی است که استرس را پایین می‌آورد اما محبت را عمیق و تعهد به وجودآمده در رابطه را بیشتر می‌کند. اغلب همانند دوستی دراز مدت است که اعتماد در طول زمان ساخته می‌شود و اصراری بر عشق ورزیدن نیست (فریگر و هانس، ۲۰۰۶).

۲-۱-۵- سبک های عشق ورزی ثانویه

سبک‌های عشقی اولیه می‌توانند با هم ترکیب شوند و سبک‌های عشق ثانویه را تشکیل دهند. سه سبک ثانویه که به وسیله لی تعیین شده اند، شامل ترکیب‌هایی از سبک‌های عشقی اولیه می‌باشد.

۱- پراگما: این نوع از سبک عشق، ترکیبی است از استورگ و لودوس می‌باشد. عاشق پراگماتیک یک نگاه عملی به عشق دارد و دنبال عاشق سازگار می‌گردد(همان).
۲- مانیا: یکی از شیوه‌های عشق ورزیدن ثانویه است که شکل‌هایی از اروس و لودوس را ترکیب می‌کند. آمیزه‌ای از یک حس مالکیت عمیق و نوع اضطرابی از عشق را نشان می‌دهند (هندریک و هندریک، ۱۹۸۷: ۲۸۱-۹۷).

۳- آگاپه: آخرین نوع ثانویه عشق است، ترکیبی از اروس و استورگ است. این سبک عشق از خود بیخودی است که یک اجبار برای دوست داشتن و مراقبت از دیگران، بدون هیچ گونه انتظار پاداش متقابل است (لی، ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷).

عناصر اصلی عشق را می‌توان در ۳ رنگ اصلی قرمز، زرد و آبی در نظر گرفت که تلفیق آن‌ها، ۹ رنگ فرعی را به وجود می‌آورد. شش رنگ عشق عبارتند از: ۱- عشق رمانتیک یا اروس به رنگ قرمز ۲- عشق تغفنی یا لودوس به رنگ زرد ۳- عشق همدلانه یا استورگ به رنگ آبی ۴- عشق تملک‌گرایانه یا مانیا به رنگ نارنجی ۵- عشق واقع‌گرایانه یا پراگما به رنگ سبز ۶- عشق ایثارگرایانه یا آگاپه به رنگ بنفش.



غلطک رنگ‌ها در تئوری عشق جان لی

با همه این موارد، عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) معتقدند که همانگونه که لی سبک‌های عشق را به طیف گسترده‌ای از رنگ‌های اصلی و ثانوی تشبیه می‌نماید. بنابراین عشق نیز

به دوطیف اولی و ثانوی تقسیم می‌گردد که سبک‌های عشق اولی با یکدیگر ترکیب شده و رنگ‌های مکمل را به وجود می‌آورند. سبک‌های عشق اولی در واقع شامل عشق‌های پرشور، عشق نمایشی و عشق دوستانه است. عشق‌های ثانوی نیز از ترکیب همین سه عشق پرشور، نمایشی و دوستانه، تشکیل یافته است و به سه نوع تقسیم می‌گردد.

الف - عشق منطقی ب - عشق وابسته و سواسی ج - عشق ایثارگرانه

۲. بحث و بررسی

- عشق در ویس و رامین و خسرو و شیرین:

منظومه‌های غنایی عاشقانه پیام‌آورانی برای نمایاندن قدرت و تأثیرگذاری عشق هستند. شعرغنایی از آنجا که احساسات و عواطف در آن بسیار پررنگ است؛ موضوعاتی مانند عشق و حالات عاشقانه نیز در آن به‌خوبی به توصیف درآمده و به نمایش گذاشته می‌شود. در همین ارتباط، نیاز به عشق‌ورزی که به عنوان یک ضرورت در در منظومه‌های عاشقانه به نمایش گذاشته می‌شود؛ در واقع این نیاز «مبتنی بر بالندگی‌های بسیار نوظهورتر خودآگاهی است» (آرمسترانگ، ۱۳۹۳: ۱۸۳). در ارتباط با این نیاز و موضوع اصلی داستان که عاشق شدن رامین بر همسر برادر خود، ویس، و عاشق شدن خسرو بر شیرین، بانوی ارمن، است که به طور کلی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای مفهوم عشق در منظومه‌های «ویس و رامین» و «خسرو و شیرین» قائل شد:

الف - عشق جسمانی است.

ب - معشوق وفادار و در عشق ثابت قدم است .

ج - معشوق جسور و بی پرواست .

د - موانع برطرف شده و وصال صورت می‌گیرد .

الف - عشق جسمانی

همان‌گونه که گفته شد این منظومه‌ها، حکایت یک عشق پرمخاطره جسمانی است. نظامی و فخرالدین اسعد در این دو منظومه عشق طبیعی (جسمانی) را مطرح می‌کنند. در این آثار خبری از عشق ماورایی و عرفانی نیست. « در ایران باستان و ایران اسلامی، ستایش عشق و پرستش جمال، بازاری گرم دارد. اما در ایران پیش از اسلام، زیبایی پسندی، طلب و تمنای جسم زیباست، و عشق که تنها جنبه آرمانیش، وفاداری و پایداری

عاشق و سرسپردگی وی به معشوق است، عاقبت به وصل می‌انجامد. در ویس و رامین، هیچ پیرایه عرفانی در کار نیست». (ستاری، ۱۳۵۴: ۳۳۸). در این منظومه‌ها شاهد چنین عشقی هستیم. عاشق و معشوق دو انسانند که به یکدیگر دل می‌سپارند و برای رسیدن به هم از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

ب - معشوق وفادار و در عشق ثابت قدم

در سنت شعر فارسی عموماً معشوق جفاکار و دست نیافتنی‌ست. اما این سنت در منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین رنگ می‌بازد. در این داستان‌ها نه تنها معشوق ویژگی‌های فوق‌دارا نیست که خواستار وصال عاشق است و برای رسیدن به او دست به هر اقدامی می‌زند. و حتی به مراتب وفادارتر از عاشق ظاهر می‌گردد. ویس، پس از دل بستن به رامین تا پایان عمر به او وفادار باقی می‌ماند، اما رامین تحت تأثیر توصیه‌ها و سرزنش‌های اطرافیان قرار می‌گیرد، معشوق را رها کرده و حتی برای فراموش کردن ویس، با شاهزاده‌ای از طبرستان ازدواج می‌کند. ویس علی‌رغم همه این اتفاقات، همچنان به عهده‌ی که با رامین بسته پایبند است و طی ده نامه‌ای که برای او می‌نویسد؛ سوگندی را که برای وفاداری به هم خورده بودند، به او یادآوری می‌کند:

وفای تو من اکنون بیش دارم
جفاهایی که کردی یاد نارم
کنم چندان وفا و مهربانی
که جور خویش و مهر من بدانی
(اسعد گرگانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳)

علی‌رغم اینکه ویس قبل از آشنایی با رامین ازدواج کرده و مدتی نیز در حصر موبد بوده است، اما تنها مردی که از او کام می‌گیرد، رامین است. ویس همیشه به او وفادار باقی ماند. در مقابل در برهه‌ای از زمان رامین راه بی وفایی پیش می‌گیرد و حتی با زن دیگری ازدواج می‌کند. این اتفاق به حدی ویس را ناراحت می‌کند که به زنان عاشق توصیه می‌کند:

مرا بینید و حال من نیوشید
دگر در عشق ورزیدن مکوشید
نهال عاشقی در دل مکارید
وگر کارید، جان او سپارید
(همان: ۲۵۱)

شیرین نیز با اینکه با ازدواج مصلحتی خسرو با مریم، دختر قیصر روم، و همچنین ازدواج هوسناک او با شکر اصفهانی مواجه می‌شود اما همچنان با وجود عشق پرشور فرهاد نسبت به خود نیز که زبازد شده بود؛ تا پایان به خسرو وفادار می‌ماند.

ویس و شیرین با وجود آگاهی از همه اتفاقات همچنان در عشق خود ثابت قدم هستند. در تمام داستان آن‌ها برای عشق ورزی به معشوق، وفادارانه از همه آنچه در توان دارند مایه می‌گذارند.

ج - معشوق جسور و بی پروا

در ویس و رامین، قهرمان اول و شخصیت اصلی «ویس» است. زنی بی پروا و عاشق پیشه با شور و هیجان جوانی که در راه وصال معشوقش دست به هر کاری می‌زند و تا پای جان مقاومت می‌کند. برخی از منتقدین ادبی، ویس را زنی ناب و شعله‌ور می‌دانند که نهایت بهره را از جوانی برده و در ادبیات فارسی بیشتر از سایر زن‌ها به کامرانی و خوش گذرانی پرداخته است و در این مسیر تاوان هر آنچه که انجام داده است را نیز پرداخت کرده، از این دیدگاه ویس به جهت پابندی در عشق و ایستادگی در آن مورد ستایش است» (نوشن، ۱۳۷۰: ۹۴-۱۱۰). ظاهراً این بی‌پروایی و روح سرکشی از سال‌های کودکی در ویس وجود داشته، تا جایی که دایه‌اش از دست او به تنگ آمده و در نامه‌ای به مادرش خواستار بازگرداندن ویس شد:

همی ترسم که او پرواز گیرد
به کام خود یکی انباز گیرد
که من زین بیش او را برنتابم
همان چیزی که می‌خواهد، نیابم
(اسعد گرگانی، ۱۳۸۱: ۵۱)

حاضر جوابی و سرکشی ویس را می‌توان در برخورد او با موبد نیز مشاهده کرد؛ هنگامی که موبد برای باز پس گرفتن ویس از شهر نامه‌ای برایش می‌فرستند، ویس پس از آگاهی یافتن از محتوای نامه ضمن سرزنش مادر،

موبد را به باد تمسخر گرفته و می‌گوید:

ز پیری مغزت آه‌موند گشته ست
ز گیتی روزگارت در گذشته ست
تو را گر هیچ دانش یار بودی
زبانت را نه این گفتار بودی

(همان: ۵۸)

سنت‌شکنی و جسارت ویس زمانی بیشتر جلوه می‌یابد که وارد یک رابطه ممنوع با رامین، برادر شوهر خود، می‌شود. هرچند ویس به سادگی تن به عشق رامین نداد؛ اما در نهایت وسوسه‌های دایه‌اش و پافشاری رامین او را تسلیم کرد. پس از آن که موبد از ماجرای ارتباط همسر و برادرش آگاهی می‌یابد؛ ویرو، همسر سابق و برادر ویس، را

فراخوانده و از او می‌خواهد خواهرش را تنبیه کند، که در غیر این صورت، خودش به بدترین شکل او را تنبیه خواهد کرد. اما ویس در مقابل برادر می‌ایستد و نه تنها اظهار پشیمانی نمی‌کند که گناه خود را به گردن می‌گیرد و به موبد می‌گوید؛ ترسی از او ندارد و هر چه می‌خواهد، انجام دهد:

که رامینم گزینم دو جهانست
تنم را جان و جانم را روانست
مرا نزمگ بیم است و نه از درد
ببین تا که چه چاره بایدت کرد
(همان: ۱۳۳)

ویس خودش را عاشق رامین و آب از سرگذشته می‌بیند و البته تقدیر الهی را نیز بی‌تقصیر نمی‌داند:

قضا بر من برفت و بودنی بود
ازین اندرز وزین گفتار چه سود؟
مرا رامین به مهر اندر چنان بست
که نتوانم ز بندش جاودان رست
(همان: ۱۳۴)

بی‌پروایی، جسارت، عدم مخفی‌کاری و صراحت کلام ویس در ادبیات فارسی از جانب یک زن، کم‌نظیر است. در خسرو و شیرین این جسارت و بی‌پروایی از سوی شیرین کم‌رنگ‌تر ظاهر می‌شود و می‌توان آن را در عدم پذیرش عشق خسرو تنها در قبال کابین و پیمان ازدواج دید و یا در اثبات نهایت عشق خود به خسرو که در کنار جسم بی‌جان او به زندگی خود خاتمه می‌دهد.

د - برطرف شدن موانع (رسیدن به وصال)

در اکثر داستان‌های عاشقانه فارسی موانعی گوناگون بر سر راه عاشقان پدید می‌آید، اما عاشقان راه عشق را برمی‌گزینند و داستان را به حدیث وفاداری به عشق بدل می‌کنند. در این داستان‌های عاشقانه «مهم‌ترین عامل بازدارنده، دشمنی و نفرت و جنگ میان دو دودمان است که مانعی برونی و خارج از قدرت و اختیار عاشقان است. این گونه موانع در غالب داستان‌های عاشقانه ایرانی، مانند زال و رودابه، بیژن و منیژه و ... نیز دیده می‌شود. اما مانع بزرگ و اساسی دیگر برخورد و ستیز میان دو گرایش متضاد اخلاقی است. دو اخلاق متضاد رویاروی هم هستند. یکی اجتماعی و دیگری شخصی. انتخاب میان این دو کار آسانی نیست. از این رو از یک سو لزوم رعایت و حفظ ظاهر و محترم شمردن آن‌ها در میان است؛ و از سوی دیگر شور عشق و تن دادن به نیروی درون چیره است. این ستیز

درونی ماجرای دردناک و کشاکش انگیز پدید می‌آورد ... اما عاشقان راه عشق را برمی‌گزینند. و داستان را به حدیث وفاداری به عشق بدل می‌کنند» (مختاری، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۹). انعکاس این مقوله در داستان ویس و رامین نیز قابل مشاهده است. علاوه بر کنش‌های درونی ویس و رامین که این ارتباط عاشقانه را در ابتدا غیر اخلاقی می‌دانستند، وجود موبد، همسر ویس و برادر رامین، در نهایت وصال صورت می‌گیرد و دو دل‌داده، زمستان جدایی را پشت سر گذاشته و نوروز وصل را جشن می‌گیرند. در داستان نظامی نیز فرهاد مانعی دشوار در راه عشق خسرو و حسادت کنیزان قصر، ازدواج با مریم و شکر نیز مانعی در راه عشق شیرین است که پس از سلسله ماجراهایی با مرگ فرهاد و مریم و رویگرداندن خسرو از عشق شکر موانع برداشته شده و خسرو و شیرین به وصال می‌رسند.

در بررسی این دو منظومه مطابق با نظریهٔ جان لی نیز آنچه که مهم است روابط قهرمانان داستان است که نوع عشق را مشخص می‌کند چراکه در نظریهٔ جان لی که تحت عنوان «منشور عشق» شناخته است به صورت مستقیم به عناصر عشق توجه نشده زیرا که رویکرد وی به گونهٔ کیفی و توصیفی، عشق را در نظر می‌گیرد. وی اعتقاد دارد که در مفهوم سازی عشق ویژگی‌های عاشق و معشوق نمی‌توانند معیار تعیین کننده ماهیت عشق باشند بلکه روابط بین فردی و تعاملات بین عاشق و معشوق است که نوع عشق و ماهیت آن را تعیین می‌کند. (کامکاری: ۱۳۸۸، ۸۵). توصیف روابط عاشق و معشوق و یا در واقع، توصیف عشق، مهم‌ترین عنصر در ساختار داستان‌های عاشقانهٔ فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی است. در این داستان‌ها نحوهٔ شروع رابطهٔ عاشقی و ایجاد عشق، همواره باعث می‌شود که شاعر ماجرای جدیدی را در روند داستان ایجاد می‌کند که عامل به وجود آمدن و پیشروی آن، عشق است. مهم‌ترین انگیزهٔ مطرح در این عشق نیز، نیاز جسمی و جنسی است. در منظومهٔ عاشقانهٔ فخرالدین اسعد گرگانی، رامین که برای بردن ویس از گوراب به مرو، نگاهبان عماری ویس است؛ در طول راه بر اثر وزش باد، پرده از عماری کنار می‌رود و چشم رامین به ویس می‌افتد و به یک نگاه دل می‌بازد. رامین که بی‌پروا به زن برادر خود دل می‌بازد، برای وصال از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. ابتدا به دایه متوسل می‌شود و هنگامی که با مخالفت او مواجه می‌شود با چاره‌گری مهر او را به دست می‌آورد و وامی دارد که در راه وصال کمک کننده و یاری رسان باشد. پس از اینکه رامین بر ویس عاشق می‌شود و دایه نیز در پی راضی کردن ویس و واسطه این عشق می‌گردد، ویس تا مدت‌ها تن به این عشق نمی‌دهد اما سرانجام وسوسهٔ دایه و میل جوانی تأثیر گذاشته و این عشق را می‌پذیرد. ویس « دیر تسلیم می‌شود اما همین که شد یکباره سراپای وجود خود را در قدم

معشوق می‌نهد. چنان شیفته است که دیگر کمترین بیمی به دل راه نمی‌دهد، نه از مرگ و نه از ننگ و نه از عذاب آن جهانی « (ندوشن، ۱۳۷۰: ۱۰۰).

در منظومه عاشقانه نظامی نیز، عشق بر اساس توصیفات شاپور از زیبایی شیرین شکل می‌گیرد. شاپور، خسرو را به طلب شیرین وا می‌دارد؛ بعد با نقشه‌ای از پیش طراحی شده، دل شیرین را گرفتار شاه ایران می‌کند، به‌گونه‌ای که هردو از پی یکدیگر روانه می‌شوند و حوادث و صحنه‌های داستان را رقم می‌زنند. اما آنچه در این حوادث و روابط عاشقانه مهم است این است که نخستین بارقه عشق برای خسرو از راه گوش و شنیدن زیبایی‌های شیرین و در مقابل برای شیرین از راه دیدن تصویر خسرو فراهم می‌شود. آنچه خسرو را به شیرین نزدیک‌تر می‌کند، نه فقط زیبایی شیرین، بلکه مهری است که بر جان او نشسته و رهایش نمی‌کند. شور و میل شدید خسرو به شیرین بارقه‌هایی از مهر را هم با خود دارد. نظامی با دامن زدن به این موضوع، در پی همسو کردن میل جنسی با مهرورزی است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۰). آغاز رابطه شیرین با عشق نیز از دل‌بستگی به زیبایی چهره نگارگری شده خسرو پرویز است. نگهبانان و ندیمان شیرین از ترس اینکه شیرین بر آن تصویر تعلق پیدا کند آن را پاره می‌کنند اما شیرین خویشتن‌داری می‌کند تا اینکه با شاپور مواجه می‌شود و او همه چیز را برایش تعریف می‌کند و شیرین نیز در پی عشق خسرو راهی می‌شود.

۱-۲- مؤلفه‌های عشق (اروس) عامل زیبایی داستان

در منظومه‌های عاشقانه ویس و رامین و خسرو و شیرین آنچه که بیش از هر چیز باعث زیباتر شدن و جذابیت بیشتر آن‌ها می‌شود و جود عشق اروسی میان قهرمان‌های اصلی داستان است که به مؤلفه‌هایی از این عشق (صمیمیت و عاطفه، شور و هیجان، عشق در یک نگاه و عشق به زیبایی) در هر دو داستان می‌پردازیم.

الف-۱-۲-۱- صمیمیت و عاطفه

صمیمت و عاطفه در واقع جزئی از عشق است که احساسات و دوست داشتن را در خود جای می‌دهد. جسم و روح عاشق و معشوق به هم پیوند می‌خورد و بیشتر نسبت یکدیگر احساس نزدیکی و امنیت می‌کنند.

مولفه صمیمیت در عشق ویس و رامین سبب می‌شود که آن‌ها اینقدر از نظر روحی و عاطفی به هم نزدیک و شبیه شوند که هردو در ابراز عشق خود در برابر موبد اشتراک دارند.

رامین می گوید:

چنان چون دیگران را مهر گردون
مرا قبله بود آن روی گلگون
به کام خویشان ببرد نتوان
مرا او جان شیرین است و از جان
(اسعد گرگانی، ۲۲۲)

ویس درباره رامین می گوید:

که رامینم گزین دو جهان است
چراغ چشم و آرام دلم اوست
تنم را جان و جانم را روان است
خداوندست و یار و دلبر و دوست
که من خود جان برای مهر دارم
چه باشد گر به مهرش جان سپارم
(همان : ۱۳۳)

فخرالدین اسعد گرگانی و نظامی کوشیده‌اند تا با توجه به شخصیت، موقعیت و جنسیت قهرمانان داستان به احساسات و عواطف آن‌ها بپردازند. صمیمیت و عاطفه در ویس و رامین به عنوان عنصری تأثیرگذار، بیشتر در عشق ویس نسبت به رامین مشاهده می‌شود. حتی در سخنان سرزنش آمیز ویس نسبت به رامین هم می‌توان صمیمیت و عاطفه را مشاهده کرد:

اگر تو هجر جویی من نجویم
وگر تو سرد گویی من نگویم
وفاکارم اگر تو جور کاری
من آب آرم اگر تو آتش آری
(همان : ۲۷۰)

در خسرو و شیرین بیشتر صحنه‌های داستان در جستجوی خسرو و شیرین در پی هم می‌گردد. اما با این همه خالی از صمیمیت و عاطفه نیست مثلاً آنجا که خسرو و شیرین در شکارگاه به یکدیگر می‌رسند:

نه از شیرین جدا می گشت پرویز
نه از گلگون گذر می کرد شب‌دیز
گذشت از ساعتی سر بر گرفتند
زمین از اشک در گوهر گرفتند
(نظامی، ۱۳۸۶: ۲۱۸-۲۱۹)

ب-۲-۱- شور و هیجان

جنبه احساسی که در عشق اروسی در رفتار و حالات ظاهر می‌شود، شور و هیجان عاشقانه است که عشق اروسی را پرسوز و گداز می‌کند. وجود شور و هیجان باعث می‌شود که عشق با شادی، سرخوشی و جذابیت همراه باشد. قهرمانان داستان با توجه به ویژگی‌های فردی و عاطفی خود شور و هیجان را در جریان ماجرای عاشقانه به نمایش می‌گذارند. عشق

ویس و رامین از میزان بالایی از شور و هیجان برخوردار است. هم ویس در این عشق، پر شور و هیجان ظاهر می‌شود و هم رامین. شور و هیجانی که از هر دو طرف در عشق دیده می‌شود سبب می‌شود که روند داستان و سیر وقایع و ماجراها با سرعت بیشتری به پیش برود. ویس زمانی که به واسطه دایه رامین را می‌بیند آنچنان احساس شور و هیجان می‌کند که در دل با خود می‌گوید:

ازین بهتر دلارامی نیابم سر از پیمان و فرمانش نتابم

(اسعد گرگانی ، ۱۲۲)

و چیزی نمی‌گذرد که ویس و رامین در مرو به یکدیگر می‌رسند و رامین از شدت شور و هیجان، این دیدار در نظرش باور نکردنی می‌آید :

اگرچه دید روی ویس دلبر نیامد دلش را دیدار باور

دل بیمارش از شادی چنان شد که گفתי پیر بود از سر جوان شد

(همان : ۱۲۷)

شور و هیجان در عشق ویس و رامین همواره نقش اساسی و پررنگی ایفا می‌کند و ماجراهایی که برای آن‌ها اتفاق می‌افتد در واقع به دلیل شور و هیجان ناشی از رابطه عاشقانه میان آن‌هاست.

در داستان خسرو و شیرین، شور و هیجان بیشتر در تلاش عاشق و معشوق در یافتن یکدیگر و رسیدن به هم خلاصه می‌شود. باید گفت این مؤلفه در آغاز بر اثر آنچه که خسرو از زبان شاپور درباره شیرین می‌شنود و شاپور را به طلب ویس می‌فرستد و به او می‌گوید:

بباید شد تورا چون بت پرستان به دست آوردن آن بت را به دستان

(نظامی ، ۱۳۸۶ : ۱۵۸)

و تصویری که شیرین اولین بار از خسرو می‌بیند بسیار پررنگ به نمایش در می‌آید: به هر دیداری از وی مست می‌شد به هر جامی که خورد از دست می‌شد

(همان : ۱۶۵)

در هر دو داستان، شور و هیجان از جایی شکل می‌گیرد که نخستین دیدار اتفاق می‌افتد و ماجراها و اتفاقاتی را به وجود می‌آورد که شور و هیجان عاشق و معشوق انگیزه اصلی آن است و عشق را شدت می‌بخشد. بنابراین باید گفت عشق در یک نگاه یکی از عناصر تأثیرگذار در عشق اروس است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ج-۳-۲-۱- عشق در یک نگاه

عشقی است که در لحظه‌ای که فرد برای اولین بار با فردی تماس می‌گیرد به وجود می‌آید. از این عشق «معروف است (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۲). love at first sight. مراتب در داستان‌ها و ادبیات یاد شده است و با اینکه ممکن است افراد زیادی این عشق را تجربه کنند باید گفت در واقع با نخستین نگاه کششی ایجاد می‌شود که نسبت به یک فرد بیش اندازه دچار احساسات و عواطف می‌شویم. در ویس و رامین و خسرو و شیرین نیز عشق در یک نگاه اتفاق می‌افتد و سرآغاز ماجراهایی می‌شود که این تجربه عاشقانه را پایدارتر و ماندنی می‌سازد.

الف - ویس :

عشق در یک نگاه برای ویس زمانی اتفاق می‌افتد که نخستین بار رامین را با واسطه و چاره جویی دایه می‌بیند و سراسر وجودش عشق به رامین می‌گردد.

همی تا ویس رامین را همی دید
تو گفتی جان شیرین را همی دید
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۱۲۲)

ب- رامین:

زمانی که رامین به همراه موبد به گوراب برای بردن ویس به مرو می‌رود درحالی رامین نگاهبان عماری ویس است؛ بر اثر وزش باد پرده از عماری به کنار می‌رود و چشم رامین به ویس می‌افتد و در یک نگاه به او دل می‌بازد:

رخ ویسه پدید آمد ز پرده
دل رامین شد از دیدنش برده
تو گفتی جادوی چهره نمودش
به یک دیدار جان از تن ربودش (همان: ۸۴)
در داستان نظامی، عشق در یک نگاه برای شیرین، آن هم با دیدن تصویر خسرو اتفاق می‌افتد:

ج - شیرین :

هنگامی که شاپور به دستور خسرو به طلب شیرین می‌رود؛ در دیری اقامت می‌کند و به واسطه ساکنان آن دیر از آمدن شیرین و یارانش به دامنه کوهی در همان نزدیکی آگاه می‌شود. پس تصویری از خسرو می‌کشد و آن را بر درختی در آن حوالی می‌زند. شیرین در حین عیش و نوش می‌بیند و دستور می‌دهد تا آن نقش را برای او بیاورند. شیرین در همان نخستین نگاه آنچنان مجذوب این نقاشی می‌شود که خدمتکارانش از ترس گرفتار شدن او، آن تصویر را از بین می‌برند و نابودی آن را به دیوان نسبت

می دهند و به بهانه اینکه آن بیشه، سرزمین پریان است، از آنجا رخت برمی بندند و به مکانی دیگر می روند.

بیاوردند صورت پیش دل‌بند
بدان صورت فرو شد ساعتی چند
نه دل می داد ازو دل برگرفتن
نه می شایستش اندر بر، گرفتن
(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۶۵)

د - خسرو:

عشق در یک نگاه برای خسرو نسبت به شیرین اتفاق نمی افتد بلکه شنیدن سخنان شاپور ندیم خاص خسرو و توصیف زیبایی‌های بی حد شیرین است که پرندۀ عشق را در درون خسرو به تکاپو وامی دارد و شاپور را به طلب شیرین می فرستد. «یکی از جنبه‌های سنتی عشق که به ویژه در عالم داستان‌های شرقی زیاد دیده می شود، دل باختن پیش از دیدن دلدار است» (حمیدیان، ۱۳۸۷: ۲۰۷)

چنان آشفته شد خسرو بدان گفت
کز آن سودا نه آسود و نه می خفت
(همان: ۱۵۸)

د-۴-۲-۱- عشق به زیبایی

زیبایی و جمال لازمه عشق است و آنچه که عاشق را شیفته می سازد و بر می انگیزاند جلوه زیبایی معشوق است در واقع زیبایی و عشق به هم وابسته و تفکیک ناپذیر هستند. ادبا در تعریف عشق جسمانی می گویند: «عشق جسمانی کیفیتی ست نفسانی، مبتنی بر اشتیاق و میل شدید به تملک زیبایی» (مدّی، ۱۳۷۱: ۳۰). آنجا که زیبایی وجود پیدا می کند با خود نیرو و گرمایی ایجاد می کند که عشق و طلب را به حرکت در می آورد. در منظومه‌های عاشقانه نیز بی تردید هر خواننده‌ای در اشعار با توصیفات پرشور بسیاری از مصادیق زیبایی معشوق اعم از پیکر و قامت و چشم و ابروی معشوق و چهره گلگون و لب و دندان و... مواجه می شود. پرداختن به هر کدام از این توصیفات درباره زیبایی معشوق با توجه به نگاه شاعر و دریافت او از زیبایی متفاوت است.

در ویس و رامین و خسرو و شیرین عشق به زیبایی با تعاریفی که از زیبایی معشوق یا عاشق می شود اهمیت پیدا می کند و نیرویی برانگیزاننده و حرکت آفرین است. در حقیقت، نخست عشق به زیبایی است که در این ماجرای عاشقانه خودنمایی می کند. این مؤلفه زمانی که ویس برای دیدن رامین می رود به خوبی آشکار است. ویس با دیدن زیبایی و

جذابیت رامین دلباخته او می‌شود همانطور که رامین وقتی که برای بردن ویس به نزد موبد رفته بود بادیدن ویس زیبا دل در گرو عشق می‌نهد. ویس و رامین هردو زیبا هستند و این زیبایی برای آن‌ها عشق می‌آفریند. فخرالدین اسعد نیز در جای خود به خوبی به این زیبایی می‌پردازد.

ویس :

بنفشه زلف و نرگس چشمکانست
رخش دیبا و اندامش حریرست
چو نسرین عارض و لاله رخانست ...
دو زلفش غالیه، گیسو عبیرست ...
به چهره آفتاب نیکوان بود
به غمزه اوستاد جاودان بود
(اسعد گرگانی، ۱۳۷۷: ۴۸)

رامین :

دو زلف انگور و رخ چون آب انگور
به بالا همچو سرو جویباری
غلام هردو گشته مُشک و کافور
فراز سرو باغ نو بهاری
(همان : ۱۲۱)

در داستان عاشقانه نظامی نیز خسرو با شنیدن توصیفات که شاپور از زیبایی شیرین می‌کند به او دل می‌بندد:

پریدختی پری بگذار ماهی
شب افروزی چو مهتاب جوانی
به زیر مقنعه صاحب کلاهی
سیه چشمی چو آب زندگانی

(نظامی، ۱۳۸۶: ۱۵۵)

شعله عشق شیرین نیز نخستین بار با دیدن تصویر خسرو روشن می‌گردد؛ همانگونه که نظامی توصیف کرده است:

چنان مشهور شد در خوبرویی
که گفתי یوسف مصرست گویی
(همان : ۱۴۵)

عشق به زیبایی جذابیت و کشش ایجاد می‌کند و حجم زیادی از منظومه‌های عاشقانه نیز سرشار از این عشق است که یا به نتیجه نمی‌رسد یا اینکه تکامل پیدا می‌کند و عشقی تمام عیار و نیرومند را می‌سازد. بنابراین با توجه به طبقه‌بندی عشق در نظریه جان لی و بررسی ارتباط عاشقانه شکل گرفته در ویس و رامین و خسرو شیرین؛ می‌توان درباره عشق موجود و رنگ آن در این داستان‌ها مطابق با جدول زیر اینگونه توضیح داد:

جدول شماره ۱

عشق اروس به رنگ قرمز در منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین

Storge: رفاقتی	طبق روند داستان، دوستی و رفاقت منجر به این عشق نشده است.
Ludus: بازیگرانه	در خسرو و شیرین: عشق خسرو به مریم، دختر قیصر روم، که در قالب یک ازدواج مصلحتی شکل می‌گیرد. این رابطه بدون عشق و اعتنای خسرو و مریم، بیش از هر جای دیگری هنگام مرگ مریم بیشتر خود را نشان می‌دهد.
Mania: شهوانی	در ویس و رامین: عشق رامین به گل دختر رفیدا بعد از ترک ویس که انگیزه آن هرچه که باشد؛ هوسرانی که با خود او سازگار است بیشتر غالب است.
Mania: شهوانی	در خسرو و شیرین: عشق هوسناک و انتقام جویانه خسرو به شکر اصفهانی پس از مرگ مریم که در واقع نوعی واکنش در برابر مقاومت‌های شیرین در برابر عشق خسرو می‌باشد.
Pragma: واقع‌گرایانه	پراگما پیوندی است بر پایه سن، مذهب، سابقه، شخصیت طرفین و نیز رضایت که بیشتر از هیجان نمایان است اما در این داستان‌ها هیجان به خوبی نمایان شده است و پیوند تنها براساس جاذبه‌ها و زیبایی‌های جسمانی اتفاق می‌افتد.
Agape: آگاهانه	ویژگی مهم آن بخشش بدون انتظار پاسخ است که در هر دو داستان این عشق رنگی ندارد و هم عاشق و هم معشوق در برابر هم انتظاراتی دارند که برآورده نشدن آن‌ها می‌تواند مشکلاتی را ایجاد نماید.
Eros: رمانتیک	یک تجربه عاطفی و عاشقانه که جاذبه‌ای نیرومند از سوی رامین و خسرو نسبت به ویس و شیرین است و در تمام ماجراهای عاشقانه که بین عاشق و معشوق اتفاق می‌افتد این عشق به خوبی جریان دارد. عشقی کاملاً جسمانی براساس جذابیت‌های ظاهری.

همان‌طور که در جدول بالا نیز نشان داده شد در این داستان‌ها نه از عشق رفاقتی نشانی هست؛ به این خاطر که عشق به واسطه دوستی و رفاقت اتفاق نیافتاده و حتی پس از اینکه عشق جریان پیدا می‌کند نیز ماجرای عاشقانه‌ای که عاشق و معشوق در جریان داستان می‌آفرینند، براساس دوستی و روابط پایدار و بدون یکی شدن نیست؛ بلکه عشقی سراسر خواستن و دلداگی است. و نه حتی عشقی واقع‌گرایانه است چون اگر قهرمانان داستان واقع‌گرایانه عمل می‌کردند چالش‌هایی که در مسیر عشق با آن مواجه شدند دیگر

وجود نداشت. آن‌ها حتی بدون آینده‌نگری از نتیجه انتخابشان؛ تنها عشق، بیش از هر چیز دیگری برایشان اهمیت دارد و در اولویت است. عشق آگایه نیز که مبتنی بر نوع دوستی و بدون چشم‌داشت می‌باشد نیز در رابطه میان عشاق جایی ندارد. زیرا از آنجا که این عشق از هر دو طرف به شدت با هیجان و تلاش برای رسیدن مواجه است لذا سطح انتظارات عاشق و معشوق از یکدیگر بالاست و در قبال هر ابراز عشق و محبتی پاسخی درخور آن از ی‌کدیگر می‌خواهند که اگر چنین نباشد دچار نومیدی و بی‌طاقتی می‌شوند. عشق شهوانی نیز در ویس و رامین در رابطه با عشق ویس و گل اتفاق می‌افتد که به دنبال عشق بد نام رامین به ویس بوده است و نقش هوس‌رانی و جبران یا فراموشی عشق ویس را در آن نمی‌توان نادیده گرفت. در خسرو و شیرین نیز رابطه خسرو با شکر اصفهانی، داستان دیگری از عشق شهوانی و هوسناک است که در برابر مقاومت‌های شیرین نسبت به عشق خسرو اتفاق می‌افتد. هرچند که این کام‌جویی و هوس‌بازی نیز جبران عشق شیرین نمی‌شود.

شکر هرگز نگیرد جای شیرین بچرید بر شکر حلوای شیرین

(نظامی، ۱۳۸۶: ۳۵۴)

عشق بازیگرانه در داستان خسرو و شیرین در رابطه خسرو با مریم، دختر قیصر روم، اتفاق می‌افتد که تنها بنا بر مصلحت و چاره‌جویی است. این ازدواج در واقع یک معامله است و عشق نیست. «خسرو پیروز میدان شاهی است؛ اماد میدان عشق، همچنان دلش در گرو عشق شیرین است. با این حال، مصلحت پادشاهی را در رعایت خاطر مریم می‌بیند. او میان عاشقی و مصلحت اندیشی سرگردان مانده است» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۹۱: ۵۳). در واقع عشق در داستان ویس و رامین و خسرو شیرین با عناصری سروکار دارد که همگی از نماد‌های عشق اروس هستند. عشق اروس در چرخه رنگ‌های نظریه عشق جان لی به رنگ قرمز است که در نمودار بالا نیز نشان داده شده است.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که درباره عشق در منظومه‌های ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی گفته شد، می‌توان مؤلفه‌های نظریه عشق جان لی را در آن‌ها ارزیابی کرد. قصه عشق جریان یافته در این منظومه‌ها تا حدی از عناصر تشکیل دهنده عشق جان لی برخوردار است. چنانکه دیدیم نقش عشق اروس به عنوان عنصر غالب در جریان شکل گرفتن عشق میان قهرمانان داستان که در نظریه جان لی مطرح شده است بسیار پررنگ است. در عشق‌ورزی هریک از قهرمانان داستان، عشق اروس به فراخور

شخصیت، روحیات و عواطف هریک دیده می‌شود که به نحو مؤثری به زیبا تر شدن و جذابیت بیشتر داستان کمک می‌کند. به همین خاطر با مطالعه هردو داستان و جریان رابطه عاشقانه شکل گرفته آن‌ها، همینطور نوع عشق مشترکی که دارند یعنی عشق اروس؛ مشخص می‌شود که جنبه‌های اروس در داستان ویس و رامین بیشتر و آزادانه‌تر از داستان خسرو و شیرین است. هرچند که خسرو و شیرین از این عشق بی بهره نیستند و جنبه غالب عشق آن هاست ولی در اظهار کردن و نمایش آن نسبت به ویس و رامین با محدودیت بیشتری مواجه شده است.

منابع

- ۱- آرمسترانگ، جان (۱۳۹۳)، شرایط عشق (فلسفه صمیمیت)، ترجمه مسعود علیا. چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمد علی (۱۳۷۰)، جام جهان بین، تهران: نشر جامی.
- ۳- احمدی، محمد علی (۱۳۸۴)، عشق، مفاهیم علمی و اجتماعی، چاپ دوم، تهران: آستان.
- ۴- باومن، زیگمونت (۱۳۸۷)، عشق سیال، در باب ناپایداری پیوندهای انسانی، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- ۵- حمیدیان، سعید (۱۳۷۳)، آرمان شهر زیبایی، تهران: نشر قطره.
- ۶- خدایی، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۵)، دیروز - من - امروز - ما، دانستنی - های مفید برای یک زندگی سالم و پایدار، مشهد، سخن گستر
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، با کاروان حله، تهران: علمی.
- ۸- ستّاری، جلال (۱۳۵۴)، پیوند میان غرب و شرق. تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- ۹- سعیدی سیرجانی، علی اکبر (۱۳۹۱)، سیمای دو زن، تهران: پیکان.
- ۱۰- شریفی، محمد (۱۳۸۷)، محمدرضا جعفری، ویراستار، فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: فرهنگ نشر نو و معین.
- ۱۱- صادقی، اکرم (۱۳۹۰)، مقایسه سبک های دل‌بستگی ابعاد عشق در نوجوانان و فاقد رابطه با جنس مخالف در دانش آموزان دبیرستان های شهرکرد، دانشگاه آزاد مرو دشت، دانشکده علوم تربیتی روانشناسی مشاوره.

- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱)، *تاریخ ادبیات ایران ج ۱*، تهران: ققنوس، چاپ دوم.
- ۱۳- کامکاری، کامبیز (۱۳۸۸)، *روانشناسی عشق*، تهران: بال، چاپ اول.
- ۱۴- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۷۷)، *ویس و رامین*، تصحیح محمدروشن تهران: صدای معاصر.
- ۱۵- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- ۱۶- مختاری، محمد (۱۳۷۲)، *انسان در شعر معاصر*، تهران: طوس.
- ۱۷- مدّی، ارژنگ (۱۳۷۱)، *عشق در ادب فارسی*، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۸- نظامی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۶)، *خسرو و شیرین*، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران، امیرکبیر.
- ۱۹ - Aron, A. & Aron, E. N. (۱۹۸۶). Love and the expansion of self: Understanding attraction and satisfaction. New York: Hemisphere Publish Corporation.
- ۲۰ -Blass, J., & Hahn, T (۱۹۹۷). Dating partner preference a function similarity of love styles. *Journal of Social Behavior and Personality*, ۱۲, ۵۹۵-۶۱۰.
- ۲۱ -Fricker, Julie. Hons, B. A. (۲۰۰۶). Predicting Infidelity: The Role of Attachment Styles, Lovestyles, and the Investment Model.
- ۲۲ -Hatfield, E., & Walster, G. W. (۱۹۷۸). A new look at love. Reading, MA: Addison-Wesley.
- ۲۳ -Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (۱۹۸۷). Love and sexual attitudes, self-disclosure and sensation seeking. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۴, ۲۸۱-۲۹۷.
- ۲۴ -Lee, J. A. (۱۹۷۳). The color of love: And exploration of the ways of loving. Don Mills, Ontario: New Press.
- ۲۵ -Lee, J. A. (۱۹۹۸). Ideologies of lovestyle and sexstyle. In V. C. deMunck (Ed.), *Romantic love and sexual behaviour: Perspectives from the social sciences* (pp. ۳۳-۷۶).
- ۲۶ -Lee, J. A. (۱۹۷۳). The colours of love: An exploration of the ways of loving. Ontario, Canada: New Press.
- ۲۷-Rubin, Z. (۱۹۷۳). *Liking and loving: An invitation to social psychology*. New York: Holt, Rinehart, and Winston.
- ۲۸ -Sternberg, R. J. (۱۹۸۶). A triangular theory of love. *Psychological Review*. ۹۳: ۱۱۹-۱۳۵
- ۲۹ -Stephanie, A. Griffin, M. S. (۲۰۰۶). *A Qualitative Inquiry into How Romantic Love Has Been Portrayed by Contemrany Media and Researchers*. Ohio state University, ۲۰۰۶.

مقالات

- ۱- عبدی، حمزه؛ گلزاری، محمود (۱۳۸۹)، ارتباط میان سبک های عشق و ویژگی های شخصیتی، روان شناسی و دین، سال سوم، شماره سوم، ص ۵۳-۷۴.
- ۲- فرح بخش، کیومرث و عبدالله شفیع آبادی (۱۳۸۵)، ابعاد عشق ورزی براساس نظریه سه بعدی عشق در چهار گروه زوج های در مرحله نامزدی ، عقد، ازدواج و دارای فرزند. مجله دانش و پژوهش درروانشناسی، ۲۰-۱.

